



۲۰۱۴/۰۲/۰۶



م، نعيم بارز

آقای دوکتور رنگین دادفر سپنتا، از موضع بر حق و استوار رئیس جمهور کرزی دفاع کرد!

سر و صدا هایی که نسبت تأخیر در امضای قرار داد «امنیتی» بوجود آمده است، بخش وسیع افراد و گروه های دست اندرکار نشراتی و تبلیغاتی که در مخالفت همیشگی با رئیس جمهور کرزی قرار دارند و یا هم بعضی از آنجائیکه به همچو مسایل بصورت خصوصی بین مقامات دولت افغانستان و امریکا به شکل مخفی و خصوصی به بحث گرفته می شود و از عمق موضوع همه اطلاع نمی داشته باشند به این لحاظ با در نظر داشت ظاهر قضایا مسایل را به بررسی گرفته حکم صادر می نمایند. مثلاً گفته می شود اگر به زودترین فرصت قرار داد «امنیتی» امضاء نشود با بیرون رفت کامل نیروهای بین المللی از افغانستان عواقب وخیمی در کشور برپا خواهد شد، اما طوریکه بار ها در نوشته هایم استدلال کرده ام چنین نخواهد شد زیرا دولت ایالات متحده خلاف منافع خود به چنین کاری اقدام نخواهد کرد، مگر آنچه غوغای که برپا شده بیشتر از هر عامل و دلیلی در اثربلیغات ضد و نقیضی از داخل و خارج بوده که مردم را به تشویش و هراس انداخته است.

در این ارتباط چند روز قبل تلویزیون طلوع نیوز، محترم دوکتور رنگین داد فر سپنتا مشاور امنیت ملی را نشان داد که در یک جمعی از خبرنگاران حاضر شده و لب به سخن گشوده است، آقای سپنتا در صحبت خود سیاست امریکا و پاکستان را در قبال افغانستان به اختصار ولی به گونه کالبد شگافانه تحلیل و فورمول بندی نموده گفت:

«پاکستان از دیر زمان بدینسو مردان، زنان و فرزندان ما را مورد تجاوز نظامند قرار داده و مرز های شرقی و جنوبی کشور ما را مورد حملات توپ خانه قرار می دهد... با اینحال دولت ایالات متحده امریکا در پی آن است تا به جهان و مردم افغانستان بگوید هم گرگ همکار و دوست ستراتیژیک است و هم بره... پیش شرط اصلی همکاری ستراتیژیک اینست که میان این دو تا فرق قابل شد... چندی پیش سفیر امریکا در کابل گفته بود ما نمیدانیم کلید صلح در دست کیست؟ دوکتور سپنتا در صحبتش گفت: آنها میدانند که مانع در کجاست ما میخواهیم همانطوریکه در گفتگوهای خصوصی گفته می شود علنی کنند و بگویند مشکل در کجاست؟ اما باگفتن این، تناقض در سیاست آشکار می شود. زیرا چگونه شما میتوانید از یک طرف قربانی را دوست و متحد ستراتیژیک بگوئید و در کشور قربانی پایگاه داشته باشید و از طرف دیگر آنانیکه انتہاری می فرستند آنها را نیز متحد ستراتیژیک خود بگوئید؟»

این اظهار نظر دوکتور سپنتا سخنان ساده ای نیست، سیزده سال موجودیت نیروهای امریکائی و ائتلاف بین المللی در افغانستان سیاست ناموفق آنها را در زمینه های متعدد زیر سؤال می برد، یعنی اینهمه تلفات انسانی و مصارف هشت صد میلیارد دالر در جنگ بی لزوم افغانستان به غیر از افزودن عملیات تروریستی چه چیز را در افغانستان و منطقه در جهت مثبت تغییر داده است؟

اخیراً بعد از سخنرانی سالانه رئیس جمهور اوباما در کنگره امریکا به تاریخ (۲۰۱۴/۰۱/۳۰) یک نظر سنجی در آنکشور نشان می دهد که امریکا برای بدست آوردن اهدافش در افغانستان ناکام است. بنابر آن مردم امریکا و بخصوص آنهایی که فرزندان شان را در جنگ افغانستان از دست داده اند و همچنان مالیه دهندگانی که مصارف بی لزوم این طولانی ترین جنگ را پرداخته اند حق دارند از دولت مردان شان بپرسند که مشکل این جنگ چه بوده و عقبگاه مانور تروریست ها و تأمین کننده اینهمه ساز و برگ نظامی و رهبری کننده اصلی آن کدام دولت در منطقه بوده است؟ زیرا بدون حمایت دولتی هیچ گروه و سازمان معتقد به مبارزه مسلحانه یک هفته هم از عهده ادامه چنین جنگی بدر شده نمی تواند.

تا کنون یک چیز را این جنگ نافرجام می رساند که ادامه سیزده سال خونریزی به نفع قدرتمندان امریکائی و نظامی های پاکستانی بوده و حال که دریافته اند که دیگر حوصله مردمان شان از توان این جنگ به سر رسیده، می خواهند با پرداخت پول ناچیز این جنگ را با خون مردم افغانستان ادامه دهند و در عین حال در رقابت با حریفان اقتصادی

نظامی منظوقی شان مثل چین، روسیه هند و غیره در بهترین جغرافیای ستراتیژیک یعنی افغانستان هشت، نه پایگاه نظامی بدست آورند.

پس آیا با این وضع رئیس جمهور کرزی حق ندارد از امریکائی ها بپرسد که:

■ تا چه زمان مردم افغانستان برای ادامه این جنگ خون بدهد؟

■ چرا بمباردمان خانه های مردم را قطع نمی کنند؟

■ و چرا پروسه صلح را آغاز نمی نمی کنند؟

■ و چرا های دیگر؟

اگر آنطوریکه مقامات امریکائی اظهار می کنند که کلید صلح افغانستان در دست آنها و پاکستانی های دوست ستراتیژیک شان نیست، پس چه معجزه ای به وقوع پیوست زمانیکه امریکائی ها و پاکستانی ها خواستند در غیاب دولت افغانستان سران طالبان را در قطر سر میز مذاکره حاضر نمایند؟

دولت پاکستان ادعا می نماید که گروه های طالبان افغان خلاف خواست آنها عملیات تروریستی را انجام می دهند، پس این سؤال مطرح می شود که چگونه ملا محمد عمر و دیگر سران طالبان آزادانه با فامیل های شان در کوئته و جاهای دیگر از خاک پاکستان بسر می برند و گرنه از کجا عملیات تروریستی شان را علیه مردم افغانستان رهبری می کنند؟

این چیزها را دولت امریکا بهتر از هرکس و هر دولت دیگری می داند ولی بسیار ظالمانه جنگی را که دولت پاکستان و امریکا به راه انداخته اند توانش را هر روز مرد و زن و طفل افغان با خون شان می پردازند.

آیا میدان های تر بیست ها را در خاک پاکستان که شب و روز در تلویزیون ها نشان می دهند کسی می تواند انکار نماید؟ و اگر اینهمه تسلیحات و مسایل لوژستیکی طالبان را دولت پاکستان فراهم نمی کند، طالبان آنرا از کجا و چگونه فراهم می کنند؟

امریکائی ها ادعا دارند که تروریسم شکست خورده و دیگر نیازی به نیروهای خارجی نیست، افغان ها خود در دفاع از خود و تأمین امنیت کشور شان قادر اند، اگر به این ادعای خود باور دارند پس ضرورت نه پایگاه نظامی در افغانستان و قرار داد «امنیتی» بین دو کشور به چه معناست و چرا طبق «گزینه صفر» که از آن سخن می گویند راه شان را در پیش نمی گیرند و کاملاً افغانستان را ترک نمی گویند؟

*- با آنکه آنها بخوبی می دانند که تروریسم در منطقه شکست خورده و بالعکس در مدت دوازده سال رشد بیشتری یافته ولی از آنجائیکه زیادتیر از این نمی توانسته اند بار گران مصارف این جنگ و تلفات انسانی آنرا متحمل شوند بهتر دیده اند که با پرداخت سالانه مبلغ ناچیزی به دولت افغانستان، خود را از باتلاق جنگ مذکور رهائی بخشند.

*- رئیس جمهور کرزی بار ها به درستی گفته است که امریکائی ها به بیرون نمودن کامل قوای شان از افغانستان حاضر نیستند، بلی آنها به دوام این جنگ کمک نموده اند و اگر دوام این جنگ را نمی خواستند چرا با آنکه همه دولت های جهان می دانند که حامی اصلی تروریست هایی که در افغانستان می جنگند نظامی های پاکستانی هستند و هر روز همه مردم جهان از طریق تلویزیون ها مشاهده می نمایند که در خاک پاکستان در میدان ها بصورت آشکار تروریست ها آموزش و ترتیبیت دیده مسلح شده به افغانستان فرستاده می شوند، با اینحال دولت امریکا میلیارد ها دالر به دولت تروریست پرور پاکستان می پردازد.

*- برغم این همه جفای امریکا در حق مردم افغانستان باز هم رئیس جمهور کرزی حاضر شد با امریکا پیمان ستراتیژیک ببندد اما بارها دیده شده است که پاکستانی ها گستاخانه مناطق سرحدی افغانستان را باتوپ و تانک مورد تجاوز قرار داده اند که باعث تلفات و خسارات زیاد گردیده و هنوز هم به این تجاوزات شان ادامه می دهند ولی دولت امریکا و ائتلاف بین المللی باهمه ساز و برگ نظامی شان هیچ کدام اقدام عملی علیه پاکستان در دفاع از افغانستان از خود نشان نداده اند.

*- قرار داد «امنیتی زود یا دیر به امضاء خواهد رسید اما شاید این اولین باری در تاریخ کشوری به اصطلاح جهان سومی باشد که امضای یک رئیس جمهور چنان اهمیت را بخود می گیرد که یگانه ابرقدرت جهان را در مانده ساخته که بدون آن نه راه باقی ماندن در افغانستان را دارد و نه راه کاملاً بیرون رفتن را.

رئیس جمهور اوباما در سخنرانی سالانه خود در کنگره امریکا در مورد افغانستان خلاف موضع قبلی اش از تکبیر به نرمش و تمکین سخن گفت.

"چاک هیگل" وزیر دفاع امریکا نیز به تاریخ ۲۸/۱/۲۰۱۴ در سفری به پোলند به خبرنگاران چنین گفت «نمی شود که امضای موافقتنامه (امنیتی) میان افغانستان و ایالات متحده به تأخیر انداخته شود زیرا برنامه ریزی و طرح بودجه

برای مأموریت نظامی نیازمند زمان است، از سوی دیگر کرزی رئیس جمهور انتخابی یک کشور مستقل است، و توانایی تاثیر گذاری ما بر رئیس جمهور انتخابی یک کشور مستقل در هر تصمیمی که او از جانب مردمش می گیرد محدود است.»

رئیس جمهور کرزی هم ارزش امضایش را دریافته و فکر می کند اگر این وسیله فشار در مقابل امریکا را از دست بدهد احتمالاً در انتخابات ریاست جمهوری که پیشروست خلع سلاح شده و آنگاه امریکائی ها باز هم دخالت خواهند نمود، و در آن صورت کشور در گیر یک جنگ داخلی خواهد گردید، بنا بر آن شاید تا پایان انتخابات ریاست جمهوری که سرنوشت صلح و جنگ به آن گره خورده این وسیله فشار را در برابر دولت امریکا از دست ندهد.

۲۰۱۳/۱۲/۱۴

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بنې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولئ